



خشونت ، ترور ، تجاوز . . . زنایکه باید همچنان قربانی بدهند !

نویسنده: دکتر شهیرنژاری

خشونت ، ترور و تجاوز . . . عباراتی که بعد از ده سال مشق دموکراسی و حکومتداری با حضور و حمایت فعال و چشمگیر اکثر کشور های قدرتمند جهان در افغانستان ، همچنان سرخط اخبار را رقم میزنند !

در طول یک ماه اخیر این سومین باریست که خشونت علیه زنان به فجیع ترین شکل آن قربانی میگیرد. دستان خشن و ظالم اینبار از نو عروس چهارده ساله قربانی میگیرد. عروس خوردسالیکه شاید به آرزو زندگی نو، دنیا رویاها و امیدهایش را از دریچه خانه شوهرش مینگریست.

بنا بر گزارشها خانم سحرگل به دلیل تن ندادن به تن فروشی از سوی شوهر و فامیل شوهرش ماه ها شکنجه شده است که آثار زخم و شکنجه در بدنش مشاهده میشود.

آنها گوشت و پوست بخش های از بدن وی را با انبر کنده و ناخن ها و موهای سرش را کشیده اند.

وی مدت شش ماه در زیرزمین تاریک و بدون پنجره در شهر پلخمری زندانی بوده و مورد بدرفتاری قرار گرفته است.

سحرگل علت حبس و شکنجه اش را راضی نشدن به تن فروشی به خواسته فامیل شوهرش بیان نموده است.

وی شوهر ، والدین و برادر شوهرش را عاملین شکنجه و حبس خود در طول این مدت میداند.

بنا به گزارش ها وی از لحاظ روحی به شدت آسیب دیده و احتمالا آثار روحی و روانی این شکنجه سال ها با وی باقی خواهد ماند.

آری! در کشور ما این تنها نا امنی ، فقر ، بیکاری، بی سواد و مرگ و میر مادران نیست که از زنان همواره قربانی میگیرند. شکنجه و خشونت علیه زنان پدیده شوم است که نسبت به هر مشکل دیگر زندگی زنان را با شدت تمام تهدید میکند.

باید خاطر نشان ساخت که قضیه سحر گل یکی از هزاران موارد خشونت و بدرفتاری علیه زنان است.

با تأسف در افغانستان موارد بسیار جدی شکنجه و سوء استفاده وجود دارند که بنابر مسایل عنعنوی و خانوادگی برای سالها خاموش می مانند.

فرهنگ معافیت ؛ عامل اصلی خشونت ها علیه زنان

عوامل زیادی وجود دارد که باعث خشونت و بدرفتاری علیه زنان در افغانستان میشوند.

میزان بالای فقر و تنگدستی در خانواده ها، ازدواج در سنین خورد ، بعضی رسوم و عنعنات ناپسندیده، ازدواج های اجباری، بی سوادی و بیکاری از جمله عوامل اند که باعث خشونت و سوء استفاده علیه زنان میشوند.

درین میان آنچه عامل اصلی این همه خشونت ها و بدرفتاری ها علیه زنان محسوب میشود، همانا فرهنگ معافیت از مجازات و مصئونیت از قانون است.

تا جایکه دیده شده است ، در اکثر موارد با عاملین اینگونه جنایات به بسیار سادگی برخورد صورت گرفته است.

بگونه مثال در بعضی موارد متهمین اصلاً دستگیر نگردیده و یا هم اینکه با در نظر داشت موقف قومی، منطقه یی و سیاسی شان آنطوریکه میبایست با ایشان برخورد قانونی صورت نگرفته است.

اگر در گذشته با چنین قضایا برخورد جدی و قانونی صورت میگرفت ، امروز گراف خشونت و بدرفتاری علیه زنان هرگز به این پیمانیه وسیع نبوده و ما حالا اصلاً شاهد این چنین جنایات در قرن حاضر نمی بودیم.

پایان